مجموعه نقد و نظریه۷

زیر نظر فرزان سجودی

آگاهی نقد

(با مقدمه مترجم)

ژرژ پوله

ترجمه: مرتضی بابک معین

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

www.ketab.ir

نشر نی

تهران - ۱۳۹۰

سرشناسه : پوله، ژرژ، م. Poulet, Georges
عنوان و نام‌پدیدآور : آگاهی نقد / ژرژ پوله؛ مترجم مرتضی بابک معین.
مشخصات نشر : تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۲۰۲ ص.
شابک : 978 - 964 - 224 - 333 - 4
یادداشت : عنوان اصلی: La conscience critique, 1971
موضوع : نقد -- فرانسه
شناسه افزوده : بابک معین، مرتضی ۱۳۴۲ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۲آ۹۷ب/PQ۹۴
رده‌بندی دیویی : ۸۰۱/۹۵۰۹۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۳۵۴۹

www.ketab.ir

نشر علم

آگاهی نقد

ژرژ پوله

مترجم مرتضی بابک معین

چاپ اول، ۱۳۹۰
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
لیتوگرافی: باختر
چاپ: جاودانگان نقش

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری
بن‌بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۴ - ۳۳۳ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مقدمه مترجم

در نیمه ی دوم قرن بیستم رویکردهای جدیدی در حوزه نقد به وجود آمدند که می‌توان آن‌ها را متعلق به موج نقد نو به حساب آورد. این رویکردهای جدید که تولد آن‌ها را باید ناشی از گسترش و پیشرفت علوم انسانی دانست در تضاد با نقد سنتی دانشگاهی که به دنبال قضاوت و ارزش گذاری آثار بود بر آن بود که بی آن که به قضاوت آثار بپردازد، تنها آن‌ها را تفسیر کند. گسترش و پیشرفت علومی چون زبان شناسی، ساختارگرایی، روان شناسی و تاریخ منجر به تولد این رویکردهای جدید گشت که می‌توان آن‌ها را در حوزه نقد تفسیری [1] مورد مطالعه قرار داد. در واقع پیشرفت انسان در حوزه علوم انسانی نگاه به انسان تولید کننده اثر را دستخوش تغییر کرد، چرا که سوژه ی انسانی مولد اثر را به یک ابژه ی مورد تجزیه و تحلیل تبدیل نمود و اثر که فضای لذتی زیبایی شناسی بود به فضای شناختی تبدیل گشت.
نقد مضمونی را می‌توان حوزه‌ای از نقد به حساب آورد که حتی قبل از رواج نقد ساختار گرایی در مقابل نقد سنتی دانشگاهی قد علم کرده و توجه بسیاری از جوانان که مخالف نگاه اثبات گرایی و تاریخ نگری نقد سنتی بودند را به خود جلب نمود.

اما از آن جا که نقد جدید را باید متاثر از حوزه‌هایی مثل زبان شناسی، ساختار گرایی و روان کاوی دانست، لذا می‌توان به تعبیری نقد مضمونی را حوزه‌ای مستقل به حساب آورد. اساسا نقد دانشگاهی با صحه گذاشتن بر واقعیت‌های اجتماعی، تاریخی، زندگی نامه‌ای و .... سعی بر روشن کردن متن می‌نمود، حال آن که نقد مضمونی همچون حوزه‌های دیگر نقد جدید در قرن بیستم تنها متن را مرکز توجه فعالیت نقد به حساب می‌آورد. هر چند ریشه‌های اصلی این حوزه نقد را باید در نظریات مکتب رمانتیسم آلمان در

---

[1]- Critique d'interprétention

www.ketab.ir

خصوص اثر هنری ، همچنین نظریات پروست[1] در مورد نقد ادبی و مسئله سبک و آراء باشلار [2] آن جا که سخن از غیر مادی بودن آگاهی می‌نماید جستجو نمود، اما شکل گیری مکتب ژنو[3] را باید دلیل عمده تولد نقد مضمونی به حساب آورد. نویسندگانی چون ژان پی یر ریشار [4]، ژان روسه [5]، ژرژ پوله[6] و ژان استاروبنسکی [7]، همگی علی رغم داشتن اختلافات در آراء و نظریات خود، با پیروی از بنیان گذاران مکتب ژنو با تکیه بر متن به جستجوی عمل آگاهی نویسنده که به تعبیری پدیدار شناسی از یک تجربه حسی به بعد شکل می‌گیرد پرداختند، تجربه‌ای که نقطه بنیادین و آغازین ارتباط انسان با جهان پیرامون او می‌باشد.

بنیان گذاران مکتب ژنو یکی به نام مارسل ریموند[8] و دیگری به نام آلبرت بگن[9] با نوشتن دو اثر تاثیر گذار به نام‌های « از بدلر تا سور رئالیسم »[10] و « روح رمانتیک و رویا»[11] تاثیر به سزایی بر نویسندگان حوزه نقد مضمونی و تولد این نقد گذاشتند. ریموند و بگن هر دو با تاثیر پذیری از رمانتیک آلمان هنر را نه تقلید از زندگی بلکه شهود زندگی به حساب می‌آوردند. در واقع هنر برای آن‌ها جایگاه تبلور درک شهودی خالق اثر از جهان می‌باشد.

مارسل ریموند (۱۹۸۴-۱۸۹۷) در اثر بزرگ خود این نظریه را گسترش می‌دهد که اساسا شعر نشات گرفته از تجارب درونی، باطنی و شهودی شاعر

---

[1] -Proust
[2] -Bachelard
[3] -Ecole de Genève
[4] -Jean Pierre Richard
[5] -Jean Rousset
[6] -Jeorge Poulet
[7] -Jean Starobinski
[8] -Marcel Raymond
[9] -Albert Beguin
[10] -De Baudelaire au surréalisme
[11] -L'ame romantisme et le reve

www.ketab.ir

است و دارای زندگی ویژه ی مخصوص به خود می‌باشد چرا کـه از ادراک و تجارب شخصی انتزاعی و شهودی ویژه ی شاعر نشات می‌گیرد. خواننده برای آن که اجازه دهد شعر در خود نفس بکشد و به شکلی شـهودی درک شـود، باید خود را فراموش کند. او باید گوش جان به صدای طپش قلب اثر بسـپارد، با آن یکی شود تا بدین طریق بتواند آن را عمیقا درک کند. او در اثر خود « از بدلر تا سور رئالیسم » می‌کوشد تا نشان دهد تجربه ی شاعرانه، تجربه‌ای است کاملا منحصر به فرد که جهان معنوی، درونی و شهودی هر شاعر را از دیگری جدا می‌کند.

از « بدلر تا سوررئالیسم » تاریخ هشتاد سال شعر فرانسه است. اما این اثر به هیچ عنوان تاریخ زبان‌ها و اشکال نیسـت، بلکـه بـه نـوعی ترسـیم جهـان – اندیشه‌ها و طریق هستی و ادراک شهودی شاعران گوناگون است. نوعی بیـان اسطوره ی شعر معاصر است. خود نویسنده کوشش بزرگ خود را در این اثـر خلق رویکردی می‌داند که با نفی هر گونه نگاه تاریخی، آموزشی و علمی، تنها به کشف فلسفه شاعرانه هر شاعر که او را از دیگران جدا می‌کند بپردازد.

نقد ریموند به واقع آغازگر نقدی مبتنی بر همدلی منتقد با نویسـنده اسـت . نقدی که در آن منتقد با غرق شدن در جهان درونی اثر به تجارب مرکزی خود دسترسی می‌یابد و در واقع بدین طریق به آگاهی خود دسترسی پیدا می‌کند.

آلبرت بگن نیز با اثر بزرگ خود « روح رمانتیک و رویا» گامی مؤثر در تولد مکتب ژنو و پیدایش نقد مضمونی بر می‌دارد. این کتاب که ابتدا دارای عنوان « رویا نزد رمانتیک‌های آلمان و در شعر نوین فرانسـه » مـی‌باشـد، مطالعـه و کنکاشی عمیق در خصوص جهـان رویـا و تخیلـی شـاعران بـزرگ آلمـانی و فرانسوی است. بگن از خلال کشف و رمز گشایی از این جهان‌های تخیلی بـه دنبال رسیدن به جوهره شخصی هستی هر یک از آن‌ها است تا از ایـن طریـق

www.ketab.ir

بتواند به جوهره ی شخصی خود پی ببرد. برای او اثر آشکار کننده پنهانی‌ترین نقاط روح و روان مان بر خود ما می‌باشد.

او می‌نویسد: «بنا براین، این تجربه ما است — اگر درست باشد که تجربه شاعرانی که برگزیده‌ایم با جوهره ی شخصی ما مشابهت داشته باشد تا از این طریق کمکی محسوب شود تا آن را در برخورد با اضطراب عمیق خود یاری کند — تجربه ی شخصی خود ما که من سعی در یافتن آن در مطالعه شاعران گوناگون دارم. بنابراین این اثر بر آن نیست تا جاه طلبی‌های درونی شاعران و آثار یک مکتب شاعرانه را به یک نظام ساده و روشن قابل تجزیه و تحلیل تقلیل دهد. چنین صحبتی از نظر من اساسا غیر قابل فهم می‌باشد.»[1]

لذا از این منظر اثر تجارب معنوی، باطنی و شهودی شاعر را بر ما باز می‌نمایاند تا ما از این طریق به جوهره ی شخصی و درونی خود پی ببریم. بنابراین با توجه به گفته ی ذکر شده، بگن هرگز به دسته بندی اثبات گرایی مکاتب ادبی اعتقاد ندارد و علاوه بر آن ریشه و اساس نقد را در سوال‌های شخصی و وقایع و تجارب درونی می‌داند که جواب آن‌ها را در واقعیت اثر جستجو می‌کند. اثر واسطه‌ای است که دو جهان انتزاعی ، تخیلی و باطنی را به یکدیگر ارتباط داده و نزدیک می‌نماید. نقد از این منظر به یک حوزه «خود شناسی» تبدیل می‌شود.

اساس نقد مکتب ژنو را می‌توان در اندیشه‌های ژرژ پوله نیز پی گیری کرد. نقد پوله نقدی است مبتنی بر تلفیق دو آگاهی: آگاهی نویسنده با آگاهی منتقد. پوله در اثر هنری به دنبال آگاهی آغازین و بنیادی است که قبل از اثر وجود

---

[1] Albert Béguin,L'Ame romantique et le reve,Paris,J.Cor ,1939.P.56

www.ketab.ir

داشته و از اثر فراتر می‌رود. نقد او نقد کشف «cogito» های گوناگون در نویسندگان متفاوتی است که متعلق به قرن‌های متفاوت می‌باشند.

از نظر پوله اثر را نه باید به یک " ابژه هنری" که معنای آن با توصیف ساختاری آن حاصل می‌شود تقلیل داد، اواثر را نه یک ابژه بلکه واقعیتی می‌انگارد که چون از جهان شهودی، اندیشه و آگاهی خلاقانه نشات می‌گیرد معنای آن از شکل و ساخت آن فراتر می‌رود.

از این منظر منتقد باید با کنار زدن ساختار و اشکال بتواند به جوهره ی اندیشه و آگاهی آغازین که مبدا تولید اثر می‌باشد د سترسی یابد. عمل نقد برای او عملی است مبتنی بر "مالکیت"، چرا که عمل نقد به مال خود کردن آگاهی نویسنده می انجامد. او به زیبایی به این عمل مبتنی بر مالکیت اشاره می‌کند : «من خودم را به کس دیگر وا می‌نهم، و این کس دیگر در درون من می‌اندیشد ، حس می‌کند، زجر می‌کشد و عمل می‌نماید.»[1]

لذا نقد از دیدگاه پوله گذر از جهان انتزاعی نویسنده به جهان انتزاعی منتقد از طریق واقعیت عینی اثر می‌باشد.

ژان روسه، منتقد دیگر حوزه نقد مضمونی خوانش اثر هنری را به واقع خوانش اشکال و ساختارها می‌داند. برای روسه نویسنده درعین اینکه در اثر خود جهان بینی و دنیای انتزاعی خود را آشکار می‌کند، اما این آشکار سازی و پرده پوشی از جهان درونی با انتخاب ساختار و اشکال مناسب صورت می‌گیرد. او در اثر بزرگ خود به نام «شکل و معنا»[2] که عنوان آن بیان کننده خط مشی رویکرد منتقدانه او می‌باشد، اثر هنری را «توسعه ی هم زمان یک ساختار و یک اندیشه» به حساب می‌آورد.

---

[1] Jeorges poulet,la conscience critique,Paris,j .Cor ,1971.P.28

[2] -Forme et signification

www.ketab.ir

لذا منتقد را کسی می‌داند که از خلال ساختارها و اشکال بتواند به آن تجارب درونی و شهودی دسترسی یابد. اما اشکال را نباید واقعیاتی به شمار آورد که تشخیص آنها به سادگی صورت می‌گیرد، چرا که آن‌ها را نه باید تنها محدود به تکنیک، ترکیب و یا به تعادل بین قسمت‌ها دانست، بلکه اشکال از نظر روسه عبارتند از شبکه‌های مرکز مدار و تصاویر تکراری که جهت گیری روح و روان نویسنده به سوی آن‌ها معطوف می‌شود. او نیز همانند دیگر منتقدان این حوزه معتقد به خوانش کلی و یکدست از آثار مختلف یک نویسنده می‌باشد تا از این طریق بتواند به آن جهت گیری‌های بنیادی دسترسی یابد.

ژان استاروبنسکی، شاگرد و دوست ریموند و دیگر عضو مکتب ژنو، نیز به دنبال کشف ژرفای من خالق اثر از خلال خوانش کلی آثار او می‌باشد. او مانند ژرژ پوله نقد را مبتنی بر نزدیکی آگاهی خالق اثر و منتقد می‌داند، اما از نظر او نگاه نقد باید خود را در فاصله‌ای مناسب از اثر قرار دهد به این معنی که نه آن چنان از آن فاصله بگیرد که اثر را نبیند و نه آن چنان به آن نزدیک شود که اثر محو دیده شود.

لذا نگاه نقد باید نگاهی هم در برگیرنده باشد و هم از زاویه‌ای مناسب صورت گیرد تا بتواند اثر را ببیند و هم چنین حول و حوش اثر را که در معنا سازی آن دخیل می‌باشند تشخیص دهد. نگاه کامل نقد نگاهی است که در عین نظر به مرکز اثر از حول و حوش آن نیز غافل نباشد.

ژان پی یر ریشار منتقد دیگر حوزه نقد مضمونی نیز همچون ژرژ پوله در جستجوی طریق بودن و در" جهان – بود گی "خاص هر نویسنده می‌باشد که مبتنی بر تجارب شهودی، در تصاویر گوناگون در طی اثر گسترده می‌شود. ریشار که به شدت متاثر از افکار و اندیشه‌های گابریل مارسل[1]، مرلوپونتی [1]و

[1] Gabriel Marcel

www.ketab.ir

باشلارد می‌باشد، اساس اندیشه نقد خود را بر پدیدار شناسی ادراک بنا می‌نهد. او مطالعه در خصوص جهان درونی و ژرفای تخیل شاعران را مبتنی بر تماس آغازین و بنیادین آن‌ها با جهان مادی چیزها می‌داند. او در اثر خود «شعر و ژرفا» می‌نویسد:

«اکنون می‌دانیم که هر آگاهی، آگاهی به چیزی می‌باشد. میدانیم که انسان از آن که طبیعت باشد، جزیره، زندان، یا جوهره باشد سر باز می‌زند. می‌دانیم که انسان با تماس‌هایش تعریف می‌شود. با این که چگونه جهان را درک می‌کند و چگونه خود را در ارتباط با جهان بیرونی‌اش درک می‌نماید، با نحوه ارتباطی که او را به جهان اشیاء، با انسان‌های دیگر و با خودش پیوند میزند.»[2]

لذا نقد ریشار در ابتدائی‌ترین سطح یعنی سطح ادراک حسی ناب در مقابل جهان اشیاء مطرح می‌شود. او جهان تخیلی شاعران را جهانی موزون می‌داند و رسالت نقد را ضمن کشف و رمز گشایی از مضامین پنهان اثر که جهان تخیلی در حول و حوش آن نظام می‌یابد، آشکار ساختن این موزونیت هنری می‌داند. برای کشف این مضامین، منتقد باید آگاهی خود را به آگاهی نویسنده نزدیک کند و این نزدیکی در نقد ریشار به گونه‌ای صورت می‌گیرد که غالبا جملات و واژه‌های نویسنده‌ای که منتقد به او پرداخته است، به جملات و واژه‌های خود او تبدیل می‌شود و از این روی در نقد او طنین صدای نویسنده و طنین نقد به هم می‌آمیزد.

---

[1] Merleau_ Ponty

[2] J.-p.Richard,Poésie et profondeur,Paris,Seuil,1955.P.9

www.ketab.ir